

بیانیه « کمیته گالیسیا در حمایت از دونباس »

« کارگران گالیسیایی چه می‌خواهند؟ ». برای پاسخ‌دادن به این پرسش باید به چند دهه قبل‌تر، به دوران جنگ داخلی اسپانیا و سرکوب فاشیستی جمهوری خواهان نگرست. طی جنگ، در شمال غرب، کارگران و دهقانان گالیسیا پس از ایالت آندالوسیا متحمل بیشترین تلفات و خسارات شدند. برخلاف ایالاتی چون باسک و کاتالونیا، مقاومت جمهوری خواهان در این ایالت حتی پیش از اعلام آغاز جنگ داخلی در هم شکسته شد. سربازان فرانکو - که خود زاده‌ی گالیسیا بود - بیش از ۸۰۰۰۰ نفر را از دم تیغ گذراندند. سپس، استفاده از زبان گالیسیایی که چیزی در حدود یک میلیون گویشور داشت ممنوع شد و از آن زمان، جمعیت قابل توجهی از مردم گالیسیا برای در امان ماندن از آزار و اذیت فاشیست‌ها مجبور به ترک وطن شده‌اند. پس پیش از هر چیز، این تازگی زخم سرکوب فاشیستی است که کارگران گالیسیایی را از پیروی رمه‌وار از روایت امپریالیستی نبرد اوکراین بازمی‌دارد.

کارگران گالیسیایی در بیانیه خود به درستی ریشه جنگ امروز در اوکراین را در افول هژمونیک ایالات متحده و طرح‌های امپریالیستی قطب مسلط بورژوازی جهانی (به رهبری آمریکا) برای گند کردن ریتم این افول ریشه‌یابی می‌کنند.

جناح چپ لیبرال جهانی (گلوبال) اکنون نیز چون گذشته‌ی نزدیک (برای مثال، بنگرید به موضع مسلط چپ‌ها درباره جنگ سوریه، عراق، افغانستان، یمن و ...) در سوی نادرست تاریخ ایستاده و روایت امپریالیستی تسلط‌یافته با هجمه‌ی روانی سنگین رسانه‌های جریان اصلی را اگر نه موبه‌مو، حداقل در کلیات، تأیید و بازنشر می‌کند؛ اما برخلاف این طیف از چپ‌ها، کارگران گالیسیایی خوب می‌دانند برای درهم شکسته‌نشدن باید در کدام سوی سنگر بایستند و با محکوم‌ساختن تسلیح امپریالیستی اوکراین و اقدامات دولت بورژوازی اسپانیا در حمایت از این تسلیح، الگویی برای موضع‌گیری سیاسی کارگران کمونیست کشورهای اروپای غربی برای آینده نزدیک ارائه می‌دهند.

بدیهی است کسانی که سال‌ها درد سرکوب فاشیستی را با گوشت و پوست و استخوان حس کرده‌اند، برخلاف چپ‌های به اصطلاح لیبرالی که پیوسته خطر تسلط یافتن «هیولای پوتین»، و افتادن از «چاله» «امپریالیسم آمریکا به «چاه» بورژوازی توسعه‌طلب روسیه را به حامیان جمهوری‌های خلقی دونتسک و لوگانسک گوشزد می‌کنند، بهتر می‌دانند از کدام هیولا بیشتر باید ترسید.

متنی که در ادامه می‌خوانیم ترجمه‌ای است از بیانیه‌ی «کمیته گالیسیا در حمایت از دونباس» که مبتنی بر تحلیل مشخص از شرایط مشخص نبرد اوکراین، موضع‌گیری صریحشان را بیان نموده‌اند. [۱]

گالیسیا در کنار دونباس و اوکراین ضدفاشیست

نه به ناتو و اتحادیه اروپا

ما نه بی طرفیم، نه بیرون گود می ایستیم، نه می خواهیم در زمره «پاسیفیست‌های» سربه‌زیر و وظیفه‌شناسی باشیم که روایت امپریالیستی را پررنگ می‌کنند.

عملیات ویژه‌ای که از ۲۴ فوریه به دست دولت روسیه علیه دولت پروتاتوی مستقر در کیف آغاز شد اقدامی کاملاً تدافعی در پاسخ به حملات مداوم دولت اوکراین علیه خلق دونباس و فدراسیون روسیه است.

پس از کودتای یورومیدان که با حمایت تبلیغاتی و مالی اتحادیه اروپا و ایالات متحده در اواخر سال ۲۰۱۳ به وقوع پیوست، اوکراین به میدان وسیعی برای کارآموزی سیاسی و آموزش نظامی نازی‌ها بدل شد.

حزب کمونیست و تشکل‌های کارگری‌ای که مُتقاد امپریالیسم نبودند مهدورالدم اعلام شدند. رهبران و مبارزانش را یا به جوخه اعدام سپردند و یا با آزار و اذیت به ستوه آوردند. در ماه مه سال ۲۰۱۴، نازی‌ها به خانه‌ی اتحادیه‌ی کارگری اودسا یورش بردند و ۴۶ نفر را زنده‌زنده سوزاندند.

استفاده از زبان روسی در رسانه‌ها و نظام آموزشی قدغن شد. روس‌هراسی به سیاستی دولتی بدل شد.

به موجب برتری‌پنداری نژادی ملهم از رهبر تاریخی فاشیسم اوکراینی، استپان باندرا، حقوق اقلیت‌های قومی و ملی نقض شد.

اما در مواجهه با پاکسازی قومی‌ای که نیروهای مرتجع دست‌به‌کارش بودند، استقلال جمهوری‌های خلقی لوگانسک و دونتسک بعدها، در بهار سال ۲۰۱۴، به مطالبه‌ای عمومی در منطقه دونباس بدل شد و سپس طی یک همه‌پرسی به تصویب رسید.

طی هشت سال گذشته، دولت مستقر در کیف بارها پیمان مینسک را نقض کرده است؛ پیمانی که در آن بر سر آتش‌بس دائمی و راه‌حل سیاسی از طریق اصلاح قانون اساسی توافق شده است.

باری، اوکراین تا همینک هرگز به پایبندی به پیمان چندجانبه‌ای که در زمستان ۲۰۱۵ با روسیه، فرانسه و آلمان بست، علاقه‌ای نشان نداده است.

از آن زمان بیش از ۱۵۰۰۰ نفر در دونباس در حملات مداوم دولت اوکراین علیه جمهوری‌های دونتسک و لوگانسک کشته شده‌اند.

ایالات متحده و ناتو طی همین مدت اوکراین را به آزمایشگاه جنگ باکتریولوژیک بدل ساخته‌اند و با دوباره در دستور کار قراردادن برنامه‌هایی با هدف توسعه قابلیت هسته‌ای، امنیت فدراسیون روسیه را تهدید می‌کنند.

جنگ جاری را باید بیش از هر چیز در راستای اجرای طرح‌های امپریالیستی ایالات متحده‌ی آمریکا تفسیر کرد: کشوری که می‌خواهد هژمونی جهانی رو به افولش در چارچوب همینک محتضر سرمایه‌داری را ابدی سازد.

در مخالفت با فریبکاری شگرفی که بورژوازی با دروغ‌پراکنی درباره‌ی علل و سیر انکشاف این درگیری می‌خواست ما را به آن منقاد سازد، کمیته‌ی گالیسیا در حمایت از دونباس (CGAD) متولد شد.

هدف ما رسیدگی به حساب اجماع کاذب و مصنوعی بر سر روایت تحمیلی و خصمانه‌ی ناتو درباره‌ی نبرد اوکراین است، روایتی که همه‌ی نیروهای سیاسی رسمی اکنون طوطی‌وار تکرارش می‌کنند.

در گالیسیا، کارگران جمهوری خواه ضدفاشیست خوب می‌دانند در کدام سوی سنگرند. در شرق اروپا تقابلی استراتژیک در جریان است: تقابلی میان بربریت امپریالیستی و مردمی که نمی‌خواهند درهم شکسته شوند. بدیهی است که ما همسو با کسانی هستیم که استوار و نستوه در برابر دیو نازی-فاشیستی سینه سپر کرده‌اند.

درسی که ما از یوگوسلاوی، عراق، افغانستان، یمن، لیبی و سوریه گرفته‌ایم این است که برای جان‌به‌دربردن از تهدید توتالیتاری جهانی‌ای که واشنگتن و بروکسل در پی تحمیل آنند، مقاومت ضروری است.

CGAD سیاست جنگی دولت اسپانیا، یعنی افزایش هزینه‌های نظامی در عین اعمال سیاست‌های مافوق‌لیبرالی بروکسل را محکوم می‌کند. اعمال این سیاست‌ها جز محکومیت اکثر اعضای جامعه به فقر روزافزون و از دست دادن حقوق و آزادی‌هایشان معنای دیگری ندارد.

پدرو سانچز [۲] و فیجو [۳] صرفاً دو عضو از پیکره‌ی ناتو، این بازوی تروریستی سرمایه‌داری جهانی‌اند.

زنده باد مقاومت خلق!

مبارزه تنها راه است!

گالیسیا، مارس ۲۰۲۲

[۱] متن اصلی این بیانیه در لینک زیر در دسترس می‌باشد:

https://t.me/CG_Donbass

[۲] پدرو سانچز «Pedro Sánchez» نخست‌وزیر اسپانیا است. او پیش‌تر دبیرکل حزب کارگران سوسیالیست اسپانیا بود.

[۳] آلبرتو نونز فیجو «Alberto Núñez Feijóo» از سال ۲۰۰۹ به عنوان رئیس دولت منطقه‌ای گالیسیا خدمت کرده است. او در سال ۲۰۲۲ به ریاست حزب خلق رسید.